

گزارش کنگره ششم سازمان

ششمین کنگره سازمان در اواسط تیرماه برگزار شد. این اجلاس، توسط «گروه تدارک کنگره» و با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد و احترام همه جانبختگان راه آزادی و عدالت، آغاز به کار کرد.

پس از گزارش گروه تدارک درباره چگونگی تدارک برگزاری کنگره و تعداد شرکت کنندگان، موضوع حد نصاب لازم، طبق اساسنامه سازمان، مورد بررسی قرار گرفت و رسمیت اجلاس کنگره به تأیید حاضران رسید. آنگاه آیین‌نامه اداره کنگره، و از جمله موضوعات در دستور آن، که از طرف گروه تدارک پیشنهاد شده بود، به بحث گذاشته شد. در اینجا پیشنهادهایی درباره افزودن و یا کاستن از موضوعات کار کنگره، مثلاً در مورد نقد عملکرد و یا اصلاح اساسنامه، و همچنین در زمینه تغییر و اصلاح بندهایی از آیین‌نامه، مطرح گردید. از آنجا که گزارشی کتبی پیرامون عملکرد سازمان از سوی کمیته مرکزی و یا گروه تدارک، به اجلاس کنگره ارائه نشده بود ولی، در همین حال، «سازمان‌یابی تشکیلات» نیز یکی از موضوعات در دستور بود، نهایتاً مقرر شد که علاوه بر بحث مشخص «سازمان‌یابی تشکیلات»، پیش از برگزاری انتخابات کمیته مرکزی، گزارش عملکرد نیز از طرف کمیته مرکزی قبلی ارائه شود. بعد از بحث اصلاحات آیین‌نامه کنگره، کلیت آن، به اتفاق آراء، به تصویب رسید، و سپس هیأت رئیسه کنگره انتخاب شد.

بر پایه آیین‌نامه مصوب، موضوعات زیر در دستور کار کنگره ششم سازمان قرار گرفت:

- اوضاع سیاسی
 - درباره اتحادها و ائتلافها
 - سازمان‌یابی تشکیلات
 - گزارش عملکرد و انتخاب کمیته مرکزی
- در این کنگره، علاوه بر اعضای سازمان، تعدادی از دوستان و همکاران نزدیک سازمان نیز، به عنوان مهمان، حضور داشتند. مهمانان کنگره، بجز بحثهای مربوط به تصویب آیین‌نامه، گزارش عملکرد و انتخاب کمیته مرکزی، در همه جلسات و مباحث کنگره حضور و مشارکت فعال داشتند و از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در کمیسیونهای مربوط به موضوعات کنگره نیز برخوردار بودند.

اوضاع سیاسی

نخستین موضوع مورد بحث کنگره، اوضاع سیاسی ایران بود که بحث و جدلهای زیادی را هم در بین شرکت کنندگان، اعم از اعضا و مهمانان، دامن زد. در این زمینه تنها یک سند، با عنوان «اوضاع سیاسی، چشم‌انداز و سیاست ما»، از جانب گروه

تدارک ارائه شده بود که در جریان مباحثات سازمانی پیش از کنگره و در خود اجلاس کنگره هم، این سند مبنای بحث و تبادل نظر و یا اصلاح و تغییر بود. در آغاز کار کنگره هم مطلب دیگری در این زمینه از طرف یکی از رفقای شرکت کننده عرضه شد که چون فرصت مطالعه آن نیز فراهم نبود، از رفیق پیشنهاد کننده خواسته شد که خلاصه‌ای از مطلب خود را، به صورت قطعه‌نامه، به کمیسیون مربوطه بدهد.

پس از دو دور بحث پیرامون سند پیشنهادی «اوضاع سیاسی، چشم‌انداز و سیاست ما»، کلیات این سند، به عنوان مبنای کار کمیسیون، به رأی گذاشته شد و با ۷۵ درصد آراء از تصویب اعضای حاضر گذشت. آنگاه کمیسیون مربوط به موضوع اوضاع سیاسی انتخاب گردید تا با بررسی مجموعه اصلاحات، تغییرات و پیشنهادها مطرح شده، قطعه‌نامه‌ای را در این باره تنظیم و به اجلاس کنگره ارائه کند.

حاصل کار این کمیسیون، سند اصلاح و تکمیل شده‌ای با عنوان «اوضاع سیاسی، چشم‌انداز، مواضع و سیاستهای ما» بود که به وسیله مخر کمیسیون در جلسه مطرح شد. این سند دارای دو بخش بود: بخش اول آن که به تحلیل وضعیت سیاسی، حاکمیت، اپوزیسیون، جنبشهای اجتماعی و مسائل منطقه و غیره مربوط می‌شد، طبق نظر کمیسیون، در بین نظرات و پیشنهادها مختلف ارائه شده، مشترک و یا غالباً مورد اتفاق بود. و بخش دوم آن که ناظر به «مواضع و سیاستهای ما» بود به دو پیشنهاد مختلف (الف) و (ب) تقسیم می‌گردید و، بنابراین، بایستی جداگانه به رأی‌گیری گذاشته می‌شد. علاوه بر این، تعدادی پیشنهادها دیگر در مورد تغییر یا اصلاح کلمات و عبارات و یا تأکیدات متفاوت در متن قطعه‌نامه مطرح شده بود که بنا به صلاحدید کمیسیون و یا به اصرار خود پیشنهاد دهندگان، به رأی جمع واگذار شد. از جمله اینها، بحث مربوط جمهوری «لانیک» و جمهوری «سکولار» (که در برخی از نوشته‌ها و یا قطعه‌نامه‌های پیشنهادی هر دوی آنها متناوباً مورد استفاده واقع می‌شود) و تفاوت‌های مضمونی و تاریخی میان آن دو بود که، در نهایت، بنا به نظر اکثریت اعضا قرار شد که در این سند و اسناد دیگر کنگره، واژه «لانیک» به کار گرفته شود. سند پیشنهادی یکی از رفقا، زیر عنوان، «قطعه‌نامه پیرامون اوضاع ایران و منطقه و وظایف ما» که به کمیسیون داده شده بود نیز به رأی گذاشته شد که با اخذ ۴ درصد آراء به تصویب نرسید (متن این قطعه‌نامه پیشنهادی، در بخش مربوط به

مطالب غیرمصوب کنگره، در ادامه این گزارش درج می‌شود).

اما بحث عمده پیرامون سند پیشنهادی کمیسیون سیاسی، روی پیشنهادهای (الف) و (ب) مندرج در آن و، مشخصاً، روی بند (۱) پیشنهاد (الف) متمرکز شد که عبارت بود از:

«سیاست ما افشای ماهیت ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی و خواست برگزاری فراندوم برای تغییر قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی زیر نظر نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی، نهادهای مدنی در سطح ملی و با نظارت سازمان ملل معطوف بر سازمانگری جنبشهای اجتماعی در ایران و ارتباط با مبارزات مردم در داخل کشور می‌باشد».

پس از صحبت‌های مخالفان و موافقان پیشنهادهای مذکور، آن دو به رأی گذاشته شد. پیشنهاد (الف) ۳۹ درصد آراء و پیشنهاد (ب) هم ۴۳ درصد آراء جمع را به خود اختصاص دادند و، نتیجتاً، هیچکدام از آنها حائز اکثریت نشدند. بعد از بحث و تبادل نظر در مورد این مسئله، سرانجام ۶۸ درصد اعضای حاضر رأی به آن دادند که، با در نظر گرفتن موارد اشتراک زیاد در بخش اول و در بندهای مربوط به «مواضع»، کمیسیون کار خود را ادامه داده و با اخذ پیشنهادها جدید و تفکیک دقیقتر موارد اشتراک و اختلاف، سند اصلاح شده دیگری را به اجلاس ارائه کند.

کمیسیون سیاسی در پی کار مجدد خود بر روی قطعه‌نامه پیشنهادی «اوضاع سیاسی، چشم‌انداز، مواضع و سیاستهای ما»، متنی را به جلسه آورد که در آن نظرات و پیشنهادها مختلف، حول بند (۱) بخش «سیاستهای ما» در قطعه‌نامه، متمرکز و مشخص گشته بود. بند (۱) مذکور به صورت دو پیشنهاد مختلف و جایگزین، ارائه شده بود:

«بند (۱) الف - افشای گسترده‌تر ماهیت ضد دموکراتیک حکومت جمهوری اسلامی و فقدان مشروعیت آن - که نمایش انتخاباتی مجلس هفتم نیز آن را کاملاً آشکار کرده است - و همه سیاستها و مانورهای ارتجاعی و ضد مردمی این رژیم».

«بند (۱) ب - سیاست ما افشای ماهیت ضد دموکراتیک حکومت جمهوری اسلامی و خواست برگزاری فراندوم برای تغییر جمهوری اسلامی زیر نظر نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی و نهادهای مدنی در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد».

مخالفان و موافقان درباره این دو پیشنهاد صحبت کردند و، طبق روال مرسوم، چون اکثر اعضای کمیسیون موافق بند (۱) الف بودند، تنها بند (۱) ب به رأی جمع گذاشته شد. بند (۱) ب، با ۵۰ درصد رأی موافق و ۴۳ درصد رأی مخالف، به

تصویب نرسید و حذف شد. سپس کلیت این سند مورد رأی گیری قرار گرفت و با کسب ۷۱ درصد آرای اعضا (و ۱۸ درصد مخالف) به تصویب نهائی رسید. (متن این سند مصوب، با عنوان «اوضاع سیاسی، چشم انداز، مواضع و سیاستهای ما» در پی این گزارش می آید).

اتحادها و ائتلافها

دستور کار بعدی کنگره، بحث و تصمیم گیری در مورد سیاست سازمان درباره اتحادها و ائتلافها بود. لازم به یادآوری است که سند مصوبه کنگره سوم سازمان راجع به سیاستهای ما در زمینه اتحاد عمل و همکاریهای موردی، وحدت، اتحاد، ائتلاف و انواع دیگر همکاریها و همگرانیها، راهنمای عمل سازمان در این عرصه بوده و هست. آنچه در این کنگره مورد بحث و بررسی قرار می گرفت فقط ناظر به موضوع اتحادها و ائتلافها از میان مجموعه اشکال گوناگون همکاریها بود. در مورد این موضوع مشخص، علاوه بر قطعنامه پیشنهادی کمیسیون تدارک کنگره، زیرعنوان «قطعنامه درباره ائتلاف نیروهای جمهوریخواه لائیک و دمکراتیک»، چند متن و مطلب دیگر هم، در جریان بحثهای تدارک کنگره، عرضه و در اختیار شرکت کنندگان نیز گذاشته شده بود. لکن با توجه به تشابهات مطالب و نکات پیشنهادی و یا توافق بین پیشنهاد دهندگان مختلف، نهایتاً، دو سند در این زمینه برای بحث در کنگره ارائه شد: یکی همان قطعنامه تهیه شده به وسیله گروه تدارک، و دیگری متنی با عنوان «اتحاد عمل و ائتلاف برای تقویت جنبش توده‌ای و استقرار دمکراسی و سوسیالیسم در ایران» که توسط یکی از رفقا پیشنهاد گردیده بود (این متن نیز مانند همه مطالب و قطعنامه‌های پیشنهادی به کنگره، در «سایت» سازمان، در صفحات مربوط به تدارک کنگره، قابل دسترسی بوده و علاقه‌مندان می‌توانند به آنجا مراجعه کنند).

بعد از دو دور بحث پیرامون این موضوع، هر دو متن پیشنهادی به رأی اجلاس گذاشته شد و هر دو نیز به تصویب رسید، ولی از آنجا که «قطعنامه درباره ائتلاف نیروهای جمهوریخواه لائیک و دمکرات» آرای بیشتری را کسب کرده بود، این متن مبنای کار کمیسیون انتخابی قرار گرفت و متن دیگر هم به این کمیسیون واگذار گردید تا در تنظیم سند نهائی خود، آن را مورد استفاده قرار دهد.

کمیسیون مربوط به بحث اتحادها و ائتلافها، بر این مینا و با بهره‌گیری از پیشنهادها و اصلاحی و تکمیلی متعددی که از طرف شرکت کنندگان مطرح گردیده بود، سندی را در این باره، شامل یک مقدمه و متن قطعنامه، تهیه و به اجلاس ارائه کرد. این سند، در واقع، تلفیق و جمع‌بندی چند سند و متن و نکات پیشنهادی در این زمینه بود. گذشته از حکم و اصلاحات وارده که مورد نظر غالب شرکت کنندگان

بود، یکی از گره‌گاههای اصلی بحث در این مورد، ضرورت گنجاندن یا نگنجاندن «پارلمان» در تعریف جمهوری جایگزین جمهوری اسلامی بود، که کمیسیون آن را به ترتیب زیر، جهت رأی گیری در اجلاس ارائه کرد:

«سازمان ما برای شکل‌گیری یک آلترناتیو دمکراتیک و لائیک در برابر جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند». (ادامه پاراگراف، دو پیشنهاد):

پیشنهاد الف - «جمهوری‌ای که در آن آزادیهای سیاسی، مدنی و فردی مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر بیانیه‌ها و میثاقهای بین‌المللی با روشنی بیان شود».

پیشنهاد ب - «جمهوری مبتنی بر پارلمان و بر اساس تفکیک قوا که در آن آزادیهای سیاسی، مدنی و فردی مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر بیانیه‌ها و میثاقهای بین‌المللی با روشنی بیان شود».

در پی صحبت‌های مخالفان و موافقان این دو پیشنهاد جایگزین، پیشنهاد (ب) مورد رأی گیری قرار گرفت که با اخذ ۴۶ درصد آرا به تصویب نرسید و حذف شد. سپس کلیت این سند به رأی گذاشته شد که با ۵۴ درصد موافق (و ۱۱ درصد مخالف) از تصویب اجلاس کنگره گذشت. (متن این سند مصوب نیز زیر عنوان «درباره اتحادها و ائتلافها»، در ادامه این گزارش چاپ می‌شود). در این هنگام، چند تن از رفقا مطرح کردند که در تصویب کلیت این سند، آیین نامه مراعات نشده است و پیشنهاد کردند که رأی گیری در این مورد تجدید شود، اما این پیشنهاد به تصویب جمع نرسید.

سازمانیابی تشکیلات

سومین موضوع مورد بحث کنگره ششم، بحث و بررسی مسئله سازمانیابی تشکیلات بود. در جریان تدارک این کنگره هم، در این زمینه، نوشته‌ها و طرحهای متعددی از سوی چند تن از رفقا تهیه شده بود. در آغاز کار اجلاس هم، متن دیگری به وسیله یکی از رفقا در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. لکن، در نهایت، با هماهنگی و یا موافقت خود پیشنهاد دهندگان، تنها یک متن، یعنی سندی که از طرف کمیسیون تدارک کنگره، با نام «قطعنامه در باره سازمانیابی تشکیلاتی» پیشنهاد شده بود، مبنای آغاز بحثهای کنگره در این زمینه و، همچنین، با تصویب کلیات آن در اجلاس، مبنای کار کمیسیون انتخابی در رابطه با این موضوع، قرار گرفت.

بحثها و پیشنهادها مطرح شده درباره مسائل و طرحهای تشکیلاتی، بسیار متنوع و متعدد بود و این نیز، به نوبه خود، کار تلفیق و جمع‌بندی کمیسیون و تصمیم‌گیری در این زمینه را دشوار می‌کرد. برخی از رفقا با انگشت گذاشتن روی ضعفها و نارسائیهای تشکیلاتی در پیشبرد وظایف سازمانی، چاره جوئی در این باره را ضرورتی اساسی و عاجل می‌دانستند. رفقایی دیگر، ضمن قبول معضلات

موجود، تغییرات و طرحهای پیشنهادی را چاره ساز نمی‌دانستند. بعضی از شرکت کنندگان، لزوم تغییراتی اساسی را در اساسنامه، از جمله در مورد تعریف رابطه عضو با سازمان، استقلال عمل بیشتر واحدهای محلی و گروههای کار، تبدیل کمیته مرکزی به «شورای مرکزی» و ایجاد نهاد دیگری با عنوان «شورای هماهنگی»... را به منظور مقابله با مشکلات جاری و جلب مشارکت بیشتر اعضا در تصمیم‌گیریها و فعالیتهای مطرح می‌کردند، در حالی که بعضی دیگر خواستار بررسی بیشتر و اصلاحاتی محدودتر در ساختار تشکیلاتی، در مرحله فعلی، بودند. هرچند که اصل مسئله تشکیل گروههای کار، که در دوره قبلی هم شکل گرفته بود، مورد بحث و جدل نبوده ولی درباره چگونگی تشکیل آنها، میزان اختیارات آنها، نحوه همکاری علاقه‌مندان غیرعضو با آنها، و نیز اتفاق نظر وجود نداشت.

کمیسیون مربوط به سازمانیابی تشکیلات، نهایتاً مجموعه‌ای از طرحها و پیشنهادها را در سندی با عنوان «قطعنامه درباره اصلاحاتی در امر سازماندهی تشکیلات»، تدوین و به جلسه کنگره ارائه کرد. برخی از مواد و بندهای این قطعنامه پیشنهادی، که از سوی کمیسیون به نظرخواهی جمع گذاشته شد، از تصویب گذشت، اما وقتی که سرانجام کلیت این سند برای رأی گیری مطرح گردید، ۴۶ درصد اعضای حاضر به آن رأی مثبت دادند. بنابراین این قطعنامه رأی کافی نیاورد و به تصویب نرسید. (متن این سند غیر مصوب نیز زیر عنوان «قطعنامه درباره اصلاحاتی در امر سازماندهی تشکیلات»، در ادامه این گزارش درج می‌شود). عدم تصویب قطعنامه‌ای در این زمینه، در واقع، به معنی آنست که کنگره سازمان مباحث انجام گرفته در این باره را ناکافی تشخیص داده و عملاً به ادامه بحث در این مورد رأی داده است.

انتخابات کمیته مرکزی

در بخش پایانی اجلاس کنگره، موضوع گزارش عملکرد و انتخاب کمیته مرکزی در دستور کار قرار گرفت. در این بخش، ابتدا رفقای مسئول ارگانها و کمیسیونها در کمیته مرکزی قبلی، شرح مختصری از فعالیتهای و مشکلات هر کدام از آنها را با جمع در میان گذاشتند. سپس برخی از رفقای شرکت کننده، انتقادات، نظرات و پیشنهادها خود را درباره عملکرد کمیته مرکزی و یا سازمان به طور کلی، مطرح ساختند که این بحثها نیز، تا اندازه زیادی، ادامه مباحثات جلسه در مورد موضوع قبلی، یعنی سازمانیابی تشکیلات، بود.

انتخاب کمیته مرکزی آخرین کار جلسه کنگره بود که با بحث و تبادل نظر پیرامون تعداد و ترکیب ارگان رهبری سازمان شروع شد. در اینجا، از جمله، پیشنهاد شد که شرط مدت سابقه عضویت در سازمان (مندرج در اساسنامه) برای نامزدی در انتخابات کمیته مرکزی، اصلاح شده و یا، به تصویب

الف - حداکثر ظرف سه ماه شرایط انتخاب کمیته مرکزی سازمان را فراهم نماید.

ب - اداره حداقل امور سازمان را به انجام رساند.

ج - تمامی ارگانها و نهادها همچون گذشته و با اختیارات سابق به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

هیأت رئیسه کنگره ششم

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

گردید که، در نهایت، یکی از آنها به عنوان «قرار» مصوب کنگره در این مورد، به صورت ذیل، به تأیید ۸۱ درصد اعضای حاضر رسید و کنگره به کار خود پایان داد.

قرار مصوب کنگره

۱- به دلیل فقدان تعداد کاندیدای لازم و به پایان رسانیدن ساعات کار کنگره، امکان انتخاب کمیته مرکزی میسر نشد.

۲- به هیأت رئیسه منتخب کنگره انجام موارد زیر، با اختیارات کمیته مرکزی واگذار گردید:

اجلاس حاضر، در انتخابات فعلی نادیده گرفته شود. به علت نبود فرصت لازم برای تغییر اساسنامه و بحث در این باره، این پیشنهاد، بدون بحث، به رأی گذاشته شد که با کسب ۴۴ درصد آرا به تصویب نرسیده و رد شد.

اما وقتی نوبت به انتخاب کمیته مرکزی رسید، به دلیل نبود نامزد عضویت در حد لازم، برگزاری انتخابات میسر نگردید و فرصت کافی برای بحث و تبادل نظر بیشتر در این باره نیز فراهم نبود. در آخرین دقایق کار کنگره، جهت حل این معضل و تأمین تداوم فعالیتهای جاری، چند پیشنهاد مطرح

سند های مصوب کنگره ششم

دهد، بدون چشم انداز ورود به چرخه اقتصادی کشور، بدون آینده و بدون هرگونه برنامه ای به حال خود رها شده است.

اولین گام برای راه خروج از نابسامانی های موجود، و حل بحران های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران، برچیده شدن بساط جمهوری اسلامی و حاکم شدن اراده و انتخاب مردم بر سرنوشت کشور است.

۳- تحولات سال های اخیر، بیش از پیش بر این واقعیت مهر تأکید گذاشت که نظام جمهوری اسلامی در اساس خود یک نظام ضد دموکراتیک و غیرقابل اصلاح است. استبداد جزو ذات این نظام و زیر پا نهادن رای مردم جزو بنیان های اصلی موجودیت آن است. قانون اساسی جمهوری اسلامی با تلفیق دین و دولت و سپردن اختیارات بی حد و حصر بر ولی فقیه، از فرماندهی کل قوا تا حق تسلط مستقیم و غیرمستقیم بر کلیه قوا، از تصرف بر حقوق ملت تا لغو حق انتخاب آزادانه مردم، حق حاکمیت مردم را ملغی نموده است و تفوق اراده مفسران دین بر اراده و رای مردم را تثبیت کرده است. این قانون مبنای نه حکومت قانون، بلکه بی قانونی حاکم بر کشور و بیان عریان آن است. تبعیض بین زن و مرد، مسلمان و غیرمسلمان، شیعه و غیر شیعه... روح حاکم بر این قانون است.

تقلای اصلاح طلبان حکومتی برای نجات حکومت در چارچوب این قانون ماهیت آن را هرچه عریان تر ساخت و نه تنها ساخت تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی بلکه بر چیده شدن کلیت این نظام را به یک تمایل همگانی تبدیل نمود.

۴- امروز در کشور ما جنبش آزادی خواهی و دموکراسی خواهی و عدالت طلبی یک جنبش وسیع و در مقیاس سراسری است و نقطه اتکاء آن جنبش های اجتماعی اقشار و طبقات و گروه های اجتماعی مختلف مردم اعم از زنان و جوانان، کارگران، معلمان، دانشجویان، دانشگاهیان، و نیز جنبش های ملی در میان ملیت های متعدد کشور است.

فعال ترین نیروی جنبش دموکراسی، جوانان و زنان کشور ما هستند

- جوانان کشور ما در ادامه حکومت اسلامی فاقد آینده و محروم از همه حقوق اولیه انسانی و اسیر دست سانسور و اختناق هستند و حق انتخاب چندانی ندارند.

رادیکیلیسم و قدرت عمل جنبش در سال های گذشته مرهون حضور جمعیت میلیونی جوانان پرشور کشور بوده است. نیروی جوان چه در قالب جنبش دانشجویی و چه در هیات تشکل ها و سازمان های دانش آموزی و انجمن ها و کانون های غیر دولتی و غیره در جریان تحولات سال های اخیر هر گونه پیوندی با جمهوری اسلامی را قطع می نماید و در اندیشه شکل دادن به آینده ای بدون این حکومت قرون وسطائی است. جنبش دانشجویی در پروسه استقلال خود از

اوضاع سیاسی چشم انداز، مواضع و سیاستهای ما

برای استقرار یک جمهوری لائیک و متکی بر اراده مردم متحد شویم

۱- با تشکیل مجلس هفتم، از طریق یک انتخابات فرمایشی و حذف کامل جناح اصلاح طلب از سوی شورای نگهبان، دوره دیگری در حیات جمهوری اسلامی آغاز شده است. جمهوری اسلامی امروز دیگر کاملاً از هرگونه حمایت مردم قطع امید نموده است. نمایش قدرت در قبضه مجلس و برنامه ریزی برای تسخیر دولت، نتایج متضاد و متناقضی بیار خواهد آورد:

از یک سو اختلافات داخلی حکومت و شکاف بین نهادهای مختلف نسبتاً کمتر و حکومت یک دست تر شده و قدرت تحریک و امکان سرکوب تقویت خواهد شد. از سوی دیگر با کاهش دوگانگی در حکومت، جهت اصلی مبارزات مردم متوجه این یا آن جناح از حکومت نخواهد شد، بلکه کل حکومت را نشانه خواهد گرفت.

در عین حال حذف تحقیر آمیز اصلاح طلبان حکومتی، بخش مهمی از نیروهای را که تا دیروز مدافع حکومت و جزئی از آن بودند، به صف اپوزیسیون رانده، و یا عملاً خنثی و خانه نشین خواهد نمود.

انتصاب پیشاپیش نمایندگان مجلس، هراس از رای کنترل شده مردم و استفاده از زور در برابر حتی نیروهای درون حکومت، نشانه نه قدرت بلکه ناتوانی در برابر پیشرفت جنبش آزادیخواهانه مردم و انعکاس ادامه بی توجهی حکومتگران به بحران های فزاینده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشور است.

۲- تداوم ۲۵ سال حکومت جمهوری اسلامی جامعه ما را در بحران های عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فرو برده است. بی حقوقی کامل مردم، تعرض حکومت بر مطبوعات، جنبش های اجتماعی، بازداشت ها و محاکمه مخالفین سیاسی، فعالین جنبش های اجتماعی، روشنفکران و روزنامه نگاران، دخالت دارودسته های سرکوبگر رسمی و غیررسمی حکومتی در ارکان زندگی اجتماعی و حتی حریم خصوصی شهروندان، به همراه بیکاری، فقر و بی چشم اندازی اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه، و اقتصاد زیرزمینی شیرازه زندگی اقشار وسیعی از مردم را از هم گسیخته است. اقتصاد کشور ورشکسته است. کارخانه ها یکی پس از دیگری تعطیل می شوند و خیل بیکاران کشور سربه میون می زند. کارگران و حقوق بگیران کشور ماه ها در انتظار پرداخت حقوق شان در انتظار می مانند. نسل جوان کشور که بیش از نیمی از جمعیت فعال جامعه را تشکیل می

مواضع ما:

۱) نیروی تحول در ایران جنبش های سازمان یافته و خود آگاه اقشار مختلف مردم و گروه های اجتماعی است. تحکیم موقعیت این جنبش ها تنها ضامن برچیدن بساط جمهوری اسلامی و منتفی شدن هر گونه بازگشت به استبداد و بی حقوقی در هر شکل دیگری است. دمکراسی در ایران تنها بر بستر رشد و گسترش جنبش های اجتماعی، آزادی احزاب سیاسی با پایگاه ها و برنامه های متفاوت و نهادینه شدن حقوق و آزادی های اولیه انسانی از قبیل آزادی عقیده، بیان، تشکل و تحزب و .. امکانپذیر است.

۲) هدف مقدم ما استقرار یک جمهوری دمکراتیک و لائیک به جای نظام جمهوری اسلامی، برای پایان دادن به بحران های مزمن سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ۲۵ ساله اخیر کشورمان در راه استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی می باشد. برای تحقق این امر ما همه نیروهای دمکرات، چپ و آزادیخواه، همه فعالین جنبش های اجتماعی و مدنی، شخصیت ها، جریانات و احزاب ملی را به اتحاد و همکاری برای ایجاد یک نظام متکی بر اراده مردم ایران فرا می خوانیم. شرط ایجاد چنین نظامی احترام به عقیده و مذهب هر شهروندی، جدائی کامل دین از دولت، پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و اجتماعی و به رسمیت شناختن موازین حقوق بشر و تابعیت همه قوانین از رای مردم است. دیالوگ و همکاری نیروهایی که برای سوسیالیسم می رزمند برای رسیدن به زبان مشترک، در خدمت تقویت چنین مبارزه ای قرار می گیرد.

۳) ما خواستار رفع هر گونه تبعیض بر اساس جنسیت، ملیت، مذهب و نژاد هستیم. برابری حقوق زنان با مردان، حق برابر همه شهروندان در برخورداری از امکانات و فرصت ها و مشاغل در سطح کشور و احترام به همه مذاهب و عقاید در کشور هستیم.

ما خواستار حق کار، حق برخورداری از بیمه های اجتماعی، بیکاری و استفاده از امکانات بهداشتی و درمانی برای عموم مردم هستیم.

ما خواستار عدم تمرکز قدرت و به رسمیت شناختن حقوق دمکراتیک و برابر همه ملیت های ایرانی هستیم.

۴) ما مخالف هر گونه مداخله خارجی در کشورمان، تحت هر عنوانی هستیم. دمکراسی در ایران نه از طریق ورود تفنگداران قدرت های خارجی، تنها با اراده و عزم ملت ایران مستقر خواهد شد. ما خواستار پشتیبانی نهادهای و جنبش های مترقی بین المللی از مبارزات مردم ایران در راه دمکراسی بوده و هیچ قدرتی را جایگزین اراده ملت ایران نمی دانیم. ما با احترام به حق تعیین سرنوشت همه ملل جهان، تعیین تکلیف با حکومت اسلامی را حق منحصر به فرد مردم ایران می دانیم.

ما خواستار تامین استقلال و تضمین یکپارچگی عراق و خروج بی قید و شرط نیروهای اشغالگر و جایگزینی آن ها با نیروهای صلح سازمان ملل تا برگزاری انتخابات آزاد در این کشور هستیم. ما خواستار عقب نشینی کامل اسرائیل از سرزمین های اشغالی فلسطین، به رسمیت شناختن حق تشکیل دولت مستقل فلسطین، پایان دادن به کشتار مردم بی دفاع و بازگشت طرفین بر سر میز مذاکره بر اساس قطعنامه های سازمان ملل هستیم

سیاستهای ما:

در دفاع از خواسته ها و مبارزات آزادیخواهانه، دموکراتیک و عدالت طلبانه توده ها و در جهت رشد و تقویت و ارتقای جنبشهای اجتماعی جاری مردم در برابر رژیم جمهوری اسلامی، رئوس سیاستهای سازمان، در این دوره عبارتند از:

۱- افشای گسترده تر ماهیت ضد دمکراتیک حکومت جمهوری اسلامی و فقدان مشروعیت آن- که نمایش انتخاباتی مجلس هفتم نیز آن را کاملاً آشکار کرده است- و همه سیاستها و مانورهای ارتجاعی و ضد مردمی این رژیم.

۲- طرح و تبلیغ و ترویج هر چه بیشتر اصل جدایی دین از دولت در جهت بسیج گسترده مردم برای مقابله با سیاستهای رژیم در مورد ادغام دین و دولت، در همه عرصه ها و زمینه های گوناگون.

حکومت، به یکی از تریبون های مهم انتشار افکار دمکراتیک و سکولار در جامعه فرامی رود.

- زنان کشور ما در طول ۲۵ سال گذشته رسماً از حقوق برابر اجتماعی با مردان محروم شده، به شهروندان درجه دو تقلیل داده شده اند. در محیط خانواده و کار، قانوناً محکوم اراده مردان شده اند. مقاومت زنان در برابر این بی حقوقی اجتماعی همواره یکی از ارگان مقابله با حکومت بوده است و جنبش زنان بزرگ ترین آتشفشان خیزش اجتماعی علیه بی عدالتی و تبعیض حاکم در جمهوری اسلامی است. هم اکنون تشکل ها و فعالین جنبش زنان نقش مهمی را در پیشرفت جنبش دمکراسی در ایران ایفا می کند.

- جامعه روشنفکری، روزنامه نگاران و نویسندگان، اساتید دانشگاه ها، معلمان کشور در پیشرفت جنبش دمکراسی نقش مهمی ایفا نموده و پرچمدار آزادی بیان و انتشار اخبار و اندیشه آزادی خواهی در جامعه هستند.

- جنبش کارگری برای به کرسی نشاندن حق کار، تامین حق زندگی و حداقل معاش در تلاش تحمیل حق تشکل و اعتصاب بر حکومت و به رسمیت شناختن سندیکاها و نمایندگی های مستقل کارگری برای دفاع از حقوق اولیه کارگران است. اعتراضات گسترده کارگران در دو سال گذشته نشان از حضور قدرتمند آنها در صحنه مبارزات اجتماعی و طبقاتی در کشور می باشد.

- جنبش های ملی در میان ملیت های مختلف کشورمان اعم از آذری، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب که به رغم خفقان و سرکوب حاکم تداوم یافته است. این جنبش ها هم چنان بر عدم تمرکز قدرت و سپردن امور داخلی مناطق ملی به انتخاب و اراده خود آن ملیت ها تاکید دارند. تحقق خواسته های ملیت های ساکن ایران تنها در گرو دمکراتیزه شدن کل کشور است.

- مبارزات افشارگرانه و مستمر زندانیان سیاسی و خانواده های آنها در دو سال گذشته یکی از عرصه های افشای رژیم در رابطه با نقض حقوق بشر در عرصه بین المللی و ملی بوده است.

۵- مواضع ارتجاعی جمهوری اسلامی در پشتیبانی از جریانات بنیادگرای اسلامی در منطقه، انزوا در مجامع بین المللی و سیاست های ماجراجویانه اتمی آن، کشور ما را در مرکز توجه سیاست های بین المللی و بخصوص سیاست های سلطه جویانه دولت آمریکا و در نتیجه خطر مداخله خارجی قرار داده است.

لشگر کشی دولت آمریکا به منطقه، بعد از ۱۱ سپتامبر، تحت عنوان جنگ علیه تروریسم، حضور نظامی در افغانستان و سپس اشغال عراق تحت عنوان دمکراتیزه کردن این کشور، اعلام رسمی نقشه آمریکا برای تغییرات احتمالی در جغرافیای سیاسی منطقه، از جمله در کشور ما تحت عنوان نقشه خاورمیانه بزرگ که هدف آن تغییر سیمای سیاسی منطقه به نفع سیاست ها و برای تامین مافع دراز مدت دولت آمریکا در این منطقه از نظر استراتژیک مهم برای اقتصاد غرب است، نشان دهنده شرایط حساس در حول حوش کشور ما و ضرورت اکید برخورد مسئولانه با آینده، استقلال و امنیت کشور آن است. در چنین وضعیتی سیاست های جمهوری اسلامی به انحاء مختلف آذوقه لازم برای مداخله در امور کشور ما را عملاً فراهم نموده است.

دولت آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر، جمهوری اسلامی را در لیست دولت های «محور شر» در کنار دولت صدام و کره شمالی قرار داده بود. اکنون صدام با لشگر کشی از این محور حذف شده است. تعقیب برنامه های اتمی جمهوری اسلامی از طریق آژانس اتمی سازمان ملل و پافشاری آمریکا بر احاله پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل علیرغم مقاومت اولیه اتحادیه اروپا، نشاندهنده برنامه دراز مدت دولت آمریکا در مورد جمهوری اسلامی است.

وجود جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم ناهمخوان با جهان امروز، عدم پایداری این رژیم به موازین بین المللی و ادامه سیاست های پان اسلامیستی و ارتجاعی آن در منطقه، خود عامل اصلی تحریک برای مداخله در امور کشور ما و تامین بهانه برای سیاست های جاری ایالات متحده در ادامه لشگر کشی خود در خاورمیانه، تحت عنوان کمک به پروسه دمکراتیزاسیون به شیوه جاری در عراق و در زندان ابوغریب است.

۱- سازمان ما برای شکل گیری یک آلترناتیو دموکراتیک و لائیک در برابر جمهوری اسلامی مبارزه می کند. جمهوری ای که در آن آزادیهای سیاسی، مدنی و فردی مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر بیانیه ها و میثاقهای بین المللی با روشنی بیان شود. در این جمهوری که قدرتش را از رای آزاد و برابر شهروندان کسب می کند، جدایی کامل دین و هر نوع ایدئولوژی از دولت و برابر ی حقوق زنان و مردان، تامین حقوق و ارتقای سطح زندگی کارگران و مزد و حقوق بگیران و رعایت حقوق دموکراتیک ملیت های ساکن ایران از پرنسب های خدشه ناپذیر است. در سیاست خارجی، این جمهوری بر اساس احترام به حقوق سایر ملل و رعایت قواعد و قوانین بین المللی، خواهان گسترده ترین رابطه با دول دیگر است.

شکل گیری این آلترناتیو به جای جمهوری اسلامی، نیازمند اتحاد وسیعی است از نیروهای دموکرات و آزادیخواه اعم از احزاب و سازمانهای سیاسی، محافل و شخصیتها و فعالین غیرمتشکل. سازمان ما می کوشد که به سهم خود در شکل گیری چنین اتحادی نقش موثری ایفا نماید.

"اتحاد عمل پایدار سیاسی" در چند سال اخیر نتوانسته است به یک ائتلاف وسیع فرا رود. ما می کوشیم با بهره گیری از مجموعه تجارب مثبت این "اتحاد" در جهت شکل گیری اتحاد گسترده تری گام برداریم.

۲- سازمان ما برای شکل گیری ائتلاف یا اتحادی از نیروهای چپ متشکل از سازمانها، محافل و افراد علاقمند تلاش می کند.

مبانی اولیه و یا موارد اشتراک حداقل برای شکل گیری این ائتلاف، که از یکسو هویت چپ آن را تعریف و از سوی دیگر امکان تصمیم گیری و حرکت جمعی را میسر می کند عبارتند از: طرفداری از سوسیالیسم به عنوان آلترناتیو سرمایه داری - تلاش برای تامین حقوق و منافع اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشان - مبارزه برای برچیدن بساط جمهوری اسلامی.

نیروهایی که می توانند در این ائتلاف شرکت کنند، در اساس، بر پایه همان مبانی فوق تعیین می شوند. ائتلاف چپ فعالیت در سه عرصه عمده زیر را مد نظر قرار می دهد: دفاع از خواستها و مبارزات کارگران و زحمتکشان و طرح و تبلیغ مواضع و دیدگاه چپ در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی - تلاش برای ایجاد و گسترش اتحاد دموکراتیک و لائیک و تقویت موقعیت چپها در درون آن - کوشش برای تعریف و تدقیق دیدگاه های برنامه ای و استراتژیک چپ در جهت همگرایی بیشتر.

۳- تلاش در راه تقویت مبارزات صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان و دفاع از حق کار و حیات آنان و مقابله با طرحها و برنامه های اقتصادی رژیم که اکثریت مردم را به فلاکت فریاند ای محکوم نموده است.

۴- کوشش در راستای شکل گیری آلترناتیو دموکراتیک و لائیک در برابر حکومت جمهوری اسلامی، به ویژه از طریق پیشبرد سیاست همکاری، همگرایی و اتحاد مجموعه نیروهایی که در این جهت مبارزه می کنند، به ترتیبی که در قطعنامه مربوط به آن طرح و تصویب شده است.

قطعنامه درباره اتحادها و ائتلافها

مقدمه:

تلاش سازمان ما، در زمینه شکل دادن به یک آلترناتیو جمهوریخواه دموکراتیک و لائیک برای جایگزینی جمهوری اسلامی، بطور مشخص از ده سال پیش و در جریان مباحث حول تهیه پلتفرم اتحاد عمل پایدار سیاسی و تشکیل آن آغاز شده است. این تلاش در جریان فعالیت برای گسترش این اتحاد عمل و سازمان دادن به یک ائتلاف وسیع تر ادامه یافته است.

هم چنین طی سال های اخیر:

- جنبشی در جهت هماهنگی و سازمانیابی بخشی از افراد و محافل جمهوریخواه دموکرات و لائیک، با انتشار بیانیه "جمهوری اسلامی جمهوری لائیک و مواضع ما" آغاز گردیده است. این حرکت با برگزاری "سمینار پاریس" سیمای روشنتری به خود گرفته است.

ما اهداف سیاسی و فکری مندرج در این بیانیه را با پلتفرم همکاری ها ائتلافی خود همسو می دانیم. برای موفقیت این تلاش می کوشیم و مذاکره و گفتگوی فعال در جهت یافتن ساختار و ظرف مناسب همکاری را پی می گیریم.

- جمع دیگری از جمهوریخواهان ایران، با امضای بیانیه "برای اتحاد جمهوریخواهان ایران" حرکت در جهت سازمانیابی خود را آغاز نمودند و با برگزاری یک "همایش" در برلین، به عنوان مجمع تصمیم گیری، اسناد سیاسی و تشکیلاتی خود را به تصویب رساندند که بیانگر اهداف و مشی سیاسی آن هاست.

شیوه برخورد با مساله ملی در ایران و هم چنین مشی سیاسی در قبال اصلاح طلبان حکومتی، پاشنه آشیل این نیرو، مانع حضور آن در ائتلاف وسیع مورد نظر ما به منظور برکناری رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری دموکراتیک است.

ما ضمن گفتگو و دیالوگ با اتحاد جمهوریخواهان ایران، در مواردی که زمینه و همکاری وجود داشته باشد، دست به اتحاد عمل خواهیم زد.

اسنادی که به تصویب نرسیدند

۲- فعالیت اعضا در تمامی عرصه های کارسازمانی داوطلبانه بوده و می توانند در هر گروه کاری عضو شوند.

۳- فعالیت در نهادهای دموکراتیک، نشریات، رسانه های عمومی و ... که اهداف و سیاست هایشان با برنامه و خط مشی سازمان هم راستاست، جزیی از فعالیت تشکیلاتی اعضا محسوب می گردد.

۴- کنگره، با توجه به سیاست و برنامه مصوبه خود، گروه های کاری لازم را تعیین می کند. هر گروه کاری حداقل از ۳ نفر تشکیل می شود. گروههای کاری می توانند از افراد غیرعضو سازمان نیز برای همکاری دعوت نمایند. برای این دوره از فعالیت سازمان ۵ گروه کاری شامل:

در هر دوره از کار سازمانی، مجموعه تجارب و ضرورت ها ایجاد تغییراتی را در اشکال کار جمعی سازمان ضروری می سازد. جهت این تغییرات، بهبود کار جمعی سازمان و بالا بردن کیفیت کارها می باشد. در تغییرات کنونی، گسترش مشارکت اعضای سازمان در تصمیم گیری ها و انجام وظائف، کاهش دخالت شورای مرکزی و گسترش استقلال واحدهای سازمانی در تصمیم گیری در محدوده وظایف خویش و پیشبرد مصوبات کنگره می باشد. در این راستا کنگره بر نکات زیر تاکید نمود:

۱- رابطه عضو با سازمان براساس فعالیت در یکی از واحدهای کشوری، گروه های کاری و یا پیشبرد وظایف بصورت پروژه در ارتباط با سازمان است.

قطعنامه درباره اصلاحاتی در امر سازماندهی تشکیلات

ساختار تشکیلاتی سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، بر گسترش روابط دموکراتیک در مناسبات تشکیلاتی، داوطلبانه بودن پیشبرد وظایف، مشارکت و استفاده هرچه موثرتر از خرد جمعی در تصمیم گیری ها قرار دارد.

سایت و نشریه، کارگران، زنان، دانشجویان و بین المللی پیشنهاد می شود.

تبصره ۱: در صورتی که برای یک گروه کاری داوطلبی وجود نداشت شورای مرکزی برای آن رام یابی خواهد کرد.

تبصره ۲: آئین نامه داخلی گروه های کاری توسط خودشان تنظیم می گردد. مسئولین گروه های کاری نیز در هر گروه انتخاب خواهند شد.

تبصره ۳: تشکیل هر گروه کاری جدید در فاصله دو کنگره منوط به تصویب شورای مرکزی است. ۲

۵- گروه های کاری و واحدهای کشوری در محدوده وظایف خود استقلال عمل داشته و در چارچوب سیاست عمومی سازمان اتخاذ تصمیم می نمایند.

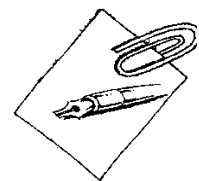
۶- اتخاذ سیاست حول عام ترین مسائل سیاسی و تشکیلاتی و تحولات سیاسی جاری و روابط با دیگر سازمان ها و احزاب و هماهنگ کردن فعالیت های تشکیلاتی و تنظیم مالی، توسط شورای مرکزی که در کنگره انتخاب می شود صورت خواهد گرفت. تعداد اعضای این شورا را کنگره تعیین خواهد کرد.

۷- به منظور هماهنگی در میان ارگان های سازمان و فعالیت ها، جمعی با عنوان «شورای هماهنگی» متشکل از مسئولین گروه های کاری و اعضای شورای مرکزی تشکیل خواهد شد.

شورای هماهنگی وظیفه دارد که در صورت اتخاذ سیاستهایی که منجر به اختلال و عدم پیشرفت وظایف توسط ارگان های سازمان و تداوم آن، کار را متوقف تا با نظر خواهی از مجموعه اعضا (همه پرسى و یا کنگره فوق العاده) در عرض یک ماه پیرامون موضوع و سیاست مورد اختلاف تصمیم گیری نماید. ۸- ۲ نفر بعنوان عضو علی البدل شورای مرکزی در کنگره انتخاب خواهند شد. اعضای علی البدل در تمامی جلسات و بدون حق رای شرکت می کنند و در غیاب اعضای شورا به ترتیب آرای حاصله در کنگره جایگزین عضو غایب در شورا می گردد.

۹- شورای عالی هماهنگی هر دو ماه یک بار جلسه ای با مشارکت تمامی اعضای سازمان از طریق پالناک برگزار می کند. موضوعات این جلسات توسط شورا حداقل یک هفته پیش از برگزاری جلسه اعلام می گردد. این جلسات خصلتی مشورتی دارد.

*- در صورتی که مفادی از این قطعنامه با اساسنامه سازمان در تناقض قرار گیرد، این سند مبنای داوری و قضاوت قرار خواهد گرفت.



قطعنامه پیرامون اوضاع ایران و منطقه و وظایف ما

حکومت جمهوری اسلامی نظامی است مربوط به دوران قبل از سرمایه داری که با الزامات رشد اقتصادی- اجتماعی ایران ماهیتا در تضاد است. از این روی بدون سرنگونی جمهوری اسلامی کشور ما نمی تواند از دایره عقب ماندگی بیرون آید.

با تشکیل مجلس هفتم ارتجاعی ترین بخشهای جمهوری اسلامی به رهبری ولی فقیه که در ۸ سال گذشته (بوژه)، جنایات پی در پی: قتل های زنچیره ای، فاجعه ۱۸ تیر در کوی دانشگاه، زندانی کردن جمعی آزادیخواهان، بستن جمعی روزنامه ها و... را علیه جنبش مردم انجام دادند اینک می روند که تمام قوای حکومتی را قبضه کنند.

به نظر می رسد که در وضعیت کنونی حکومت از هماهنگی درونی برخوردار باشد اما از این پس اختلاف منافع باندهای مافیایی آنها را بجان هم خواهد انداخت، باندهایی که طی ۲۴ سال، فساد مالی و اخلاقی و... در آنها نهادینه شده است.

در شرایط امروز عملکرد حکومت را می توان چنین پیش بینی کرد:

۴/۱- در عرصه سیاسی تشدید فشار علیه افراد و نیروهای سیاسی غیر خودی، علیه دانشجویان، علیه NGO ها، علیه نهادهای صنفی، علیه روشنفکران، علیه روزنامه ها و... اما بشیوه ای که حتی الامکان خشونت آشکار را به نمایش نگذارد.

۴/۲- در عرصه اقتصادی، سرمست از قیمت بالای نفت، افزایش بیش از پیش واردات برای بازتوزیع دلارهای نفتی بین باندهای حکومتی

۴/۳- در سیاست خارجی، دست زدن به ماجراجویی هایی در رابطه با وضعیت عراق و فعالیت های اتمی و...

۵- وضعیت جنبش مردمی

۵/۱- از این پس نک تیز حملات مردم معترض ایران بیش از پیش و بطور رسمی تر و علنی تر متوجه شخص ولی فقیه و کلیت رژیم خواهد بود، خامنه ای خود با حذف حایل هایی مثل: اصلاح طلبان حکومتی، حق حداقلی مردم در اعمال نظر در انتخابات ها، مطبوعات کمی آزاد و... خود را بیش از پیش رودرروی مردم قرار داده است.

۵/۲- احتمالاً اعتراضات اجتماعی بیشتر بصورت اعتراض تشکل های صنفی مثل کارگران، معلمان، دانشجویان و... بروز خواهد کرد.

۵/۳- جنبش های اعتراضی داخل ایران از لحاظ محتوای شعارهای خود رادیکال تر می شوند مشخصاً خواسته "جدایی دین از دولت" بیش از پیش و صریح تر مطالبه خواهد شد.

۶- اقدامات آمریکا و اوضاع عراق

۶/۱- امروزه ارتجاعی ترین جناح های امپریالیستی آمریکا دولت را در این کشور بدست گرفته اند.

۶/۲- دولت آمریکا برای اولین بار بعد از جنگ دوم جهانی عالی ترین ارگان نسبتاً دمکراتیک حفظ صلح در جهان (سازمان ملل) را نفی کرد، و همراه با دولت انگلستان، با دروغ و فریبکاری شرم آور با جعل اسناد دایر بر وجود سلاح های کشتار جمعی در عراق این کشور را مورد حمله قرار دادند.

و مردمی را که سالهای طولانی زیر ستم حکومت ضد بشری صدام بودند دچار جنگ و بمب و کشت و کشتار کرد.

۷- جمهوری اسلامی در کشورهای دیگر دخالت های فتنه انگیزانه می کند از حمله در کشور عراق و در شرایط امروزی، رفتار جمهوری اسلامی باعث گسترش بحران در عراق و افزایش تشنج در منطقه و لطمه زدن به دوستی تاریخی بین ملت های ماست.

ما ضمن محکوم کردن تروریسم، اقدامات دولت آمریکا در زیر پا گذاشتن میثاق های بین المللی و منشور سازمان ملل متحد را محکوم می کنیم.

ما بوژه حمله آمریکا به عراق را محکوم می کنیم ما دخالت های جمهوری اسلامی در عراق را محکوم می کنیم

ما خواهان خلع سلاح اتمی منطقه هستیم ما چشم پوشی آژانس بین المللی اتمی را از فعالیت های تسلیحاتی اتمی اسرائیل و سکوت بر زرادخانه اتمی این کشور را محکوم می کنیم.

تا بحال مدارک عینی یی که اثبات کند که جمهوری اسلامی در کار تولید سلاح اتمی است ارایه نشده با توجه به این ما مخالفت خود با تسلیح جمهوری اسلامی به سلاح اتمی را اعلام می کنیم.

وظایف ما

۱- تبلیغ ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان اصلی ترین مانع رشد کشور ما

۲- امروزه بخشهای فعالتر جامعه ما مثل جوانان، زنان، کارگران در مباحث نظری و سیاسی نسبتاً وسیع شرکت می کنند و علاقمندی شدیدی به شرکت در آن دارند.

به نظر من امروز مهم ترین وظیفه ما شرکت پربرار در این مباحثات و برقراری پیوند با مردم ما در داخل کشور است تکنولوژی جدید (انترنت و...) امکانات وسیع و سهل الوصولی را در اختیار ما گذاشته است.

با اولویت وظیفه فوق و برای بدست آوردن توانمندی بیشتر در انجام آن پیش بردن ائتلاف ها و اتحادها.

علی